اهداء به حبیب یغمائی

مجموعهٔ پیامهائی که به‌مناسبت انتشار بیست‌وپنجمین
سال مجلهٔ ادبی و تاریخی

یغما

ازطرف مراکز علمی و دوستان آن مجله به
گروه دوستداران مجلهٔ یغما رسیده است

اهداء به حبیب یغمائی

مجموعهٔ پیامهائی که بمناسبت انتشار بیست و پنجمین
سال مجلهٔ ادبی و تاریخی

یغما

ازطرف مراکز علمی و دوستان آن مجله به
گروه دوستداران مجلهٔ یغما تقدیم شده است

www.KetabFarsi.com

پیامهای مراکز علمی و فرهنگی

(به ترتیب الفبائی نام امضاءکنندگان)

— ۱ —

انجمن آثار ملی سالیان متمادی است که با مجلهٔ ارزندهٔ یغما همه نوع همکاری داشته و دارد و پیوسته نسبت به ادامه انتشار مجلهٔ و صاحب امتیاز فداکار آن جناب آقای حبیب یغمائی که با کوشش و پایداری قابل ستایش این خدمت مفیدرا انجام می‌دهد احساس احترام وحق شناسی فراوان می‌کند و نشانه‌ای از آن ، مشترک بودن مجلهٔ نامبرده از طرف انجمن است که منحصر به همین مجله می‌باشد.

همواره توفیق روز افزونشان را درخدمات بی‌شائبهٔ فرهنگی و ملی ومعنوی مسئلت می‌نماید.

درپایان همت و ابتکار عناصر گرامی دوستداران مجلهٔ یغما، که اندیشهٔ قدرشناسی ازچنین شخصیت فرهنگی

کرانقدر وتوجه به‌ادامهٔ انتشار مجلهٔ ارزندهٔ نـامبرده در طول بیست و پنج سال را ابراز داشته و مراسمی انجام می‌دهند، نیز بنوبهٔ خود موردکمال ستایش وسپاس انجمن انجمن‌آثارملی است.

رئیس هیأت مدیرهٔ انجمن آثارملی
سپهبد فرج‌الله آق‌اولی

خدمات‌ارزندهٔ مجلهٔ یغمادرمعرفی فرهنگ‌ایرانی وزمینه‌های ادب فارسی ومجاهدات ومساعی‌جمیله وممتد مدیرفاضل و ارجمند آن در این راه سزاوار قدردانی و سپاس است .

ازآنجاکه فرهنگ ومظاهرمختلف آن درجوامع متمدن امـروز و آینده و در مسیر تحولات علمی و فنی پیوندی ناگسستنی بین‌گذشته وحال بشمارمی‌آید و تمدن هرملت درقالب فرهنگ‌آن شکل می‌پذیرد، نقش مجلهٔ یغما در این طریق حائز اهمیتی سرشار است. به‌این‌سبب آرزومنداست‌که فاضل گرامی‌آقای حبیب یغمائی دراین کوشش ثمربخش موفق‌ومؤید باشند وراه درازی را که با

زحمت و کامیابی به‌خاطر علم و ادب ایرانی سپرده‌اند در سالهای آینده نیز با اشتیاق و توفیق روزافزون ادامه‌دهند.

رئیس کمیسیون ملی یونسکو درایران

علی‌اصغر حکمت

شاید روزی‌که سخنور دانشمند استاد حبیب‌یغمائی دست به‌انتشار مجلهٔ یغما زد صاحب‌نظران‌گمان نمی‌بردند بادشواریهائی که درکار بود وهست اوبتواند ازآن نهال‌نو دمیده درختی تناور وبارور وسایه‌گستر بسازد. امروز که بیست وپنجمین دورهٔ «یغما» منتشرمی‌شودالبته بردوستان وشیفتگان زبان وادب فارسی واجب است به همتی که به رغم آن همه مشکلات به‌نیروی عشق و بیداری دراین‌راه پیش می‌رود آفرین بگویند. اما تنها آفرین گفتن کافی نیست. سزاوار است دستهائی که تاکنون بیشتر به‌علامت تحسین جنبشی‌کرده وآهنگ تمجیدی سرداده‌اند به‌مدد کاری برخیزند وآنچنان که باید و شاید این ناخدای پیر را که همچنان در دریای طوفانی‌کشتی می‌راند یاری‌کنند.

حبیب سالهاست که‌مردانه‌می کوشد و بی‌شک‌مانند

همه‌ستایشگران‌صمیمی‌خودآرزومند است که‌اگراوروزی ناگزیرشود به عذرسالخوردگی دست‌ازکار بکشد درانتشار مجلهٔ یغما که یادگار گرانبهائی از رنجهای طاقت فرسای اوست وقفه‌ای پیش‌نیاید.

رئیس مرکزبررسی ومعرفی فرهنگ ایران

غلامعلی رعدی آذرخشی

ـ٤ـ

یکی‌ازبهترین‌مجلاتی‌که درنیم قرن اخیردرایران به طبع رسیده بی‌شک مجلهٔ‌ادبی یغما است. این‌مجله از همان ابتدا به‌نشر بهترین آثار ادبی وتحقیقات در زمینهٔ زبان و ادبیات فارسی و تاریخ ایران پرداخت و تا امروز این کار را ادامه میدهد . در طول این مدت مجلات ادبی بیشماری درایران بچاپ رسیده ولی معدودی‌ازآنهابطور مرتب منتشرشده است . بـاز تعدادکمتری بوده که بیشتر از۲۵ سال وحتی‌کمتر دوم پیداکرده است. همت و اراده و دانائی مدیرمجله تااین‌حد است که‌مجله را علاوه برآن که بطورمرتب انتشار داده توانسته است آن را تقریباً در یک سطح وبایک سطح مشخص نگهدارد . مطالب آن از

اول متنوع بوده و اکنون نیزچنین است . بهترین مقالات تحقیقی از استادان فقید و محققین معاصر همیشه دریغما چاپ میشده ودانش‌طلبان برای اطلاع از تحقیقات جدید همیشه چشم به‌راه این‌مجله بوده‌اند . تحقیقات تاریخی و ادبی وجغرافیائی ومطالب مربوط به تاریخ ادبیات و لغت و زبان فارسی وشعرمعاصران وقدما همیشه در یغما جای مخصوص بخود داشته است . رویهمرفته می‌توان گفت که مجلهٔ یغماخدمتی‌شایسته بفرهنگ ایران انجام داده‌است وباید سرمشق سایرمجلات ادبی ایران باشد.

رئیس هیئت مدیرهٔ بنگاه ترجمه ونشرکتاب
جعفر شریف امامی

_۵_

چه دلیلی برای موفقیت مجله‌ای ادبی بهتراز این میتوان‌اقامه کردکه‌درمدت یک‌ربع‌قرن، خوانندگان‌آن راضی، علاقه‌مند وروزافزون بوده‌اند.

رئیس لغتنامه سازمان دهخدا
سید جعفرشهیدی

_۶_

سازمان ملی حفاظت‌آثارباستانی ایران بنابروظیفهٔ

خطیری که در حفظ و حراست آثار باستانی و میراثهای فرهنگی‌این‌کشور کهن به‌عهده دارد برخود فرض‌میداند که از همه افراد میهن پرست و عوامل مؤثری کـه در نگه‌داشت ومعرفی‌وگرامی داشتن این‌میراثهای فرهنگی به‌نحوی ازانحاء مساعی‌جمیله مبذول میدارند ستایش‌کند وبه‌آنان بادیدهٔ یکریم بنگرد.

ازجملهٔاین‌عوامل‌مؤثرواززمرهٔ این افرادبیداردل مجله وزین یغما و مؤسس فرزانهٔ آن است .آقای حبیب یغمائی که خود از ادبای بنام ایران ویکی ازگویندگان برجستهٔ کشور ادب‌پرور ما بشمارمی‌رود ازیك ربع قرن پیش‌تنها باانگیزهٔادب‌پروری وفرهنگ دوستی، نه‌بخاطر نامجوئی و زراندوزی، دست به‌بنیاد مه‌نامه‌ای شیوا زدکه اکنون بیست وپنج از عمر پربارآن میگذرد .

مجلهٔ یغما ازآغاز پیدایش صفحات خود را با اشعار بلندو نوشته‌های رسای یک‌دسته ازبر گزیدگان‌ادب وهنر این‌آب وخاك زیوربخشید وبسهم‌خودمشعل فروزان‌دانش وفرهنگ این‌کشور باستانی‌را تاکنون همواره روشن‌نگاه داشته است .

مجلهٔ یغما که با قطع و چاپ مرغوب هرماه مرتب منتشرمیشود حاوی یک سلسله مطالب گوناگون علمی و ادبی استکه مورد احترام واستفادهٔ ادب دوستان قرارمی‌گیرد. مخصوصاً قسمتی ازمطالب آن که گهگاه به‌معرفی یکی ازآثارتاریخی میپردازد ویا بشرح نمونه‌ای ازهنرهای باستان میکوشد ویا روشنگرگوشه‌ای تاریك ازتاریخ این‌مرز وبوم میگردد ازنظر این‌سازمان ارج بسیاردارد.

بنابراین ضمن آرزومندی دوام این نامهٔ گرامی و کامیابی‌مؤسس‌دانشمندآن امیدواریم که این وظیفهٔ مقدس میهنی یعنی نشر و اشاعهٔ فرهنك کشور توسط مجلهٔ وزین علمی‌پیوسته دوام‌یابدودرآینده مجلهٔ گرامی‌یغمامخصوصاً درمعرفی‌آثار تاریخی ویادگارهای جاودانی کشور به ابناء وطن نقش بزرگتر ومؤثری ایفا نماید.

مدیرعامل سازمان ملی حفاظت‌آثار باستانی ایران

محمود مهران

ـ۷ـ

گروه آموزشی زبان وادبیات فارسی دربارهٔ تجلیل ازخدمات‌آقای حبیب یغمائی مدیرمجلهٔ یغما چنین‌اظهار

نظرکرده است: «مجلهٔ یغما یکی از بهترین مجلات علمی وادبی‌کشور است ودراین بیست وپنج سال توانسته خدمت شایسته‌ای به‌فزهنگ وادب این کشوربکند. بنابراین هر نوع تجلیلی‌ازاین مجله بعمل‌آید سزاوار ودرخور است »

رئیس دانشکدهٔ ادبیات وعلوم انسانی

سیدحسین نصر

www.KetabFarsi.com

چند پیام دوستانه

(به ترتیب الفبائی نامها)

—۱—

چندین‌سال پیش ازاین که بمنظور تجلیل ازمجلهٔ یغما مجلسی درطهران آراسته شده بود بایکدنیا شور و شوق و ارادتمندی خالصانه مختصر پیامی تقدیم داشتم و ونوشتم اولین بارست‌که افسوس میخورم‌که طبع شعر ندارم تا بزبان شعر کـه زبان عواطف و احساسات عمیق درونی است آنچه را دربارهٔ مجلهٔ «یغما» و مدیر محترم بسیار با همت وفداکارآن یعنی استاد بزرگوارآقای حبیب یغمائی فکرمیکنم و بدان عقیده دارم بیان نمایم.

امروز باز پس ازسالهای بسیارکاملا همین فکر در مخیله‌ام میگذرد و همین افسوس را دارم . دلم میخواست زبان گویا و رسائی مانند زبان قاآنی و لطف بیانی چون

سعدی و رقت اندیشه‌ای چون حافظ میداشتم تا آنچه را شایستهٔ مجلهٔ «یغما» و مدیر گرانقدر آن است بروی کاغذ آورده ارسال دارم.

نظرمن دربارهٔ انتشارمجلهٔ «یغما» همانا نظری‌است که کرورهاازهموطنان‌مادارندوتمام بیگانگانی که شمارهٔ آنها بسیاراست واز دور و نزدیک بزبان وادب وفرهنگ وآب وخاک ایران دلبستگی دارند. یعنی‌مجلهٔ «یغما» را یکی از ارکان مؤثر و صلاحیتدار خدمتگزاری بزبان و ادب وفرهنگ و آب و ایران میدانم. معتقدم که مدیر محترم‌آن مجله درظرف این‌مدت دراز که یك ربع قرن میشود باهمت وعشق خستگی ناپذیری ودرحالی‌که عموماً این‌بیت زبان حالش بوده:

پیری وغربت وتنهائی وفقر وغم عشق
چشم‌بد دورکه‌اسباب‌طرب‌موجوداست

وبا مشکلات وموانع گوناگون بسیاری که یکی‌از آنها همانا مضیقهٔ‌مالی ودست تنهائی‌است وجا داردبگوئیم واقعاً باخون دل این‌مجله را چون طفل نازپرور در دامن

غمخواری خود پرورده است و بیست و پنج سال از بهترین سالهای عمر خودرا، روزگارانی‌راکه سایرمردم دنیاعموماً بخوشگذرانی وتحصیل‌مال ومنال وجاه ومقام میگذرانند، او درراه تربیت‌فکری‌ومعنوی هموطنان خود و بیگانگان ایراندوست مصروف داشته است . همچنانکه راقم این سطور درمدت بیست وپنج سال هرماه از هرشمارهٔ «یغما» درسها گرفته ومبانی ونکات سودمند بسیاری‌آموخته‌ام‌آن همه خوانندهٔ دیگرهم ازخوان فیض ارزان ولی پربهای این مجلهٔ ارجمند بهره‌مند و برخوردار بوده‌اند . امروز همه بالاتفاق ویکزبان ویکصدا برای بقا و توفیق «یغما» و«یغمائی» ازصمیم دل‌وجان دعا میکنند و سپاسگزارند .

سید محمد علی جمال‌زاده (ژنو)

—۲—

تکریم فضل‌وهنر وبزرگداشت خدمتگزاران‌دانش وفرهنگ شیوه‌ایست فرخنده و بارور. دریغ‌که درگذشته چنین‌آئین ثمربخش رایج نبود. بسا هنرمند که «از دست هنرخویش‌فریاد» زده وآرزوکرده است‌که «گوهرخود را

به‌خریدار دگری عرضه کند. طبعاً در محیطی که قدر معرفت وهنر شناخته نشود ذوق واستعداد پرورش نمی‌یابد.

این خود دریچه‌ایست فروغ بخش که در روزگار ما بدین اصل شریف وانسانی توجهی هست واز خدمتگزاران فرهنگ و دانش قدردانی میشود، هرچند گاهی ناسزاواران نیز داخل مویز شوند.

اینکه درمقام تجلیل از خدمات فرهنگی مجلهٔ یغما جشن برپا می‌شود باعث خوشوقتی وامیدواریست.

مجلهٔ یغما سزاوار تکریم است. زیرا در عمر بیست‌وپنج ساله ازروش متین وسودمند خود منحرف نشده و باهمه مشکلات مادی ومعنوی که درراه اینگونه نشریه‌ها هست و غالباً منجر به‌آلودگی و انحراف میشود مقاومت کرده ورسالت خودرا فراموش نکرده است. هنگامی که استاد عزیز آقای حبیب یغمائی دراین وادی گام نهاد جزهمّت و شوق خدمت سرمایه‌ای نداشت، وتا امروز بادشواریهای گوناگون مواجه بوده و متحمل رنجها گردیده است. ولی باکمال مناعت واستقامت دامن‌تر نکرده و ازآلودگیهائی

که در بسی از این قبیل مؤسسات روی میدهد بر کنار صفحات پیوسته صفحات مجله عرصهٔ مطالب سودمند بوده است.

فکر شوم و نافرجام فزونی «تیراژ» هیچگاه نیت خالص و شریف یغمائی را مشوب نساخت و قصد جلب خوانندهٔ بیشتر وی را از روش استواری که خود پیش گرفته بود دور نساخت.

قلم وسیلهٔ کسب وارتزاق نیست. مجله و روزنامه و کتاب نباید دکهٔ کسب و تجارت شود. علت غائی این حرفهٔ شریف هدایت افکار عامه، لطیف کردن ذوق مردم، بالا بردن سطح معرفت عمومی است ـ نه هماهنگی با خواسته‌های عامهٔ ناس و بالمآل فروافتادن به ورطهٔ ابتذال.

مطبوعات که رکن چهارم حکومتهای دموکراسی است و حتی آنرا مهمتر و مؤثر تر از سه رکن دیگر می‌گویند نقش مهمی در اجتماع برعهده دارد. مطبوعات شریف و سالم وظیفه‌دار اصلاح خطاها ، باز داشتن مردم از کجرویها ، مبارزه با جهل و فساد، منعکس ساختن زشتیها و زیان پلیدیها، درهم کوفتن اوهام و خرافات و خلاصه نشان دادن راه صلاح

وفضائل انسانی است.

متأسفانه این اصل بزرگ وشریف کم کم فراموش شده است (حتی در میان باختریان). رغبتی بیمارانه بر هادیان افکار ومباشران تبلیغ واشاعه مستولی شده است که خودرا به‌سطح فروافتادهٔ ذوق‌عمومی پائین آورند. از نشر مطالب جلف و بازاری، حتی از همداستانی با اوهام و تمایلات مخالف عقل و اخلاق فاضله پرهیز ندارند.

یك نظر بداغلب نشریات هفتگی وروزانه وعکسهای گوناگون آنها ومباحثاتی که دراطراف مطربان و بازیگران سینما مطرح میشود وحتی شلختگیها، بی‌بندوباریها، قهرها وآشتیها، وصدها امور بازاری وناسالم از این قبیل باآب وتاب نوشته میشود. یادرمسائل ادبی جهالت و بیسوادی و حتی دیوانگی نقطهٔ آغاز وملاك صحت وسقم قرارمیگیرد. همهٔ اینها شأن مجله‌ای را چون یغما که پاسداری فرهنگ وتاریخ ایران ونکات فاضله راوظیفهٔ خودمی‌داند بالامیبرد وشما را دراین اقدام به تجلیل از آن مجله می‌ستاید.

علی دشتی

کسانی که درتألیف وطبع کتاب ومجله دست دارند میدانند برای یك جلد کتاب چقدر باید زحمت کشید و رنج برد وعصبانی شد تاآنرا بصورت مطلوب تقدیم خواننده کرد. بنابراین وقتی ملاحظه میشود که سخنور نحیف ما آقای حبیب یغمائی بیست و پنج سال متمادی تمام نیروی خودرا بکاربرده و حدود سیصد شماره از مجلهٔ یغما را در پانزده‌هزار صفحه منتشرساخته جز تحسین و تقدیر نمی‌توان برای ایشان نظری ابرازداشت. بویژه که مجلهٔ یغما را خصایص ومزایائی است که باید خاطرنشان کرد تا علل تحسین وتقدیر هویدا باشد.

نخست اینکه دراثر جدیت مدیر دانشمند، دراین ربع قرن مجله مرتباً انتشار یافته و بندرت تأخیر وتعلل داشته است.

دوم اینکه موضوعات و مطالبی که منتشر ساخته همگی آموزنده و مفیدوجالب و اغلب بقلم نویسندگان نامدار واستادان بزرگ ادب وفرهنگ بوده است.

سوم اینکه تمام شماره‌ها با کمال دقت و نظافت و ظرافت بطبع رسیده، از حیث صحت مندرجات و فصاحت بیان و نداشتن اغلاط چاپی درصف مقدم مجلات ایران بوده است.

چهارم اینکه در صفحات آن تملق و مداهنه راه نیافته است.

پنجم اینکه بسبب خصایص مذکور درممالکی چون افغانستان وپاکستان و هندوستان رواج پیداکرده و مایهٔ آبرومندی و تشیید روابط ادبی و فرهنگی ایران با آن کشورها بوده است.

نگارنده که از چهل و چند سال قبل آقای حبیب یغمائی‌را، از زمان تحصیل در دارالمعلمین‌مرکزی، می‌شناسد وشاهد علاقه وعشق ایشان بزبان وادبیات فارسی و ناظر بزحمات و مشقات ایشان درخدمت بفرهنگ ایران بوده پایداری ایشان را دراین راه می‌ستاید و از خداوند متعال سلامت وطول پرثمر ایشان را ازصمیم قلب مسئلت دارد.

عیسی صدیق

مژدهٔ بزرگداشت مجلهٔ یغما و توقیر و تجلیل از زحمات وخدمات بیست وپنجسالهٔ دانشمند بزرگوارجناب حبیب یغمائی دریافت شد . خدا ایام عزت تمام مردان حق‌بین وحقشناس‌رامستدام بداراد.

من مجلهٔ یغمـا را دوست دارم، یغما پـاسدار ادب فارسی است . یك ربع قرن باکمال متانت و عفت آثار برگزیدهٔ دانشمندان ومحققان ونویسندگان و گویندگان بزرگ معاصر را در اختیار علاقه‌مندان بفرهنگ ایران عزیز نهاده است . در عین حالی که به نیاز زمان عنایت فراوان‌داشته ، دربرابر امواج سرکش طغیان وعصیان ونو جوئیهای بی رویه ، چون سد و صخره‌ای محکم پایداری نموده‌است . هرگز نویسنده و گوینده‌ای‌را تحقیر نکرده وباکسی به‌ستیز و آویز نپرداخته است. بلکه کوشیده با ارائهٔ راه فلاح ، نویسندگان عاصی را اصلاح‌کند. اکنون ثمرهٔ زحمات وهزینه‌های طاقت فرسای بیست و پنجسالهٔ جناب یغمائی بصورت بیست و پنج دوره مجله درآمده

که در واقع به‌مثابه دایرةالمعارفی ایرانی است که اگر محققی بخواهد تحقیقی دربارهٔ ادب و تاریخ و فرهنگ قرن اخیرایران به‌عمل می‌آورد ازمراجعهٔ بدان هرگز بی‌نیاز نخواهد بود.

عبدالعلی کارنگ (تبریز)

—۵—

ازسال هزاروسیصدوبیست‌وهفت که مطبوعات‌کشور داخل‌مرحلهٔ‌تازه‌ای‌از تحول‌شدند ومجله‌های‌ادبی‌وانتقادی همچون «محیط» وسپس «یادگار»ازادامهٔ‌انتشارفرو ماندند شاعرادیب و دوست حبیب ماجناب‌آقای یغمائی که درکار اداره وانتشارمجله‌های‌آموزش‌وپرورش ونامهٔ‌فرهنگستان سابقهٔ تجربه وسعی مشکور داشت به تأسیس مجلهٔ غرای یغماپرداخت وخلائی‌که در این ناحیه ازعرصهٔ مطبوعات پدیدآمده بود بدین‌وسیله بینباشت . ازآن‌زمان تاکنون خوشبختانه یغما زبان حال شعرا و ادبا و نویسندگان و پژوهندگان بوده‌است.

بادر نظرگرفتن مشکلاتی‌که همواره در کار انتشار

یك نشریهٔ آزاد ملی وجود داشته ودارد وموانعی که ازهر جهت برسرراه اینگونه نشروتوزیع منظم و مستمر دیده میشود باید اعتراف کرد که آقای یغمائی بادوام انتشار مجلهٔ یغما دراین مدت طولانی شق القمر کرده است.

یغما آیینهٔ صاف و روشنی است که درآن مراتب سعی و هنر و ادب و فعالیت و کاردانی و استقامت شخص یغمائی بیش ازهرفرد دیگری جلوه گر است. کسانی هم که در این مدت به نحوی از انحاء درتحریر وترجمه وتنظیم وترتیب مندرجاتش شرکت جسته اند ازمنبع فیض وبرکت آن مستفیض گشته اند.

اینک موقع رابرای تقدیم تهانی وامانی ودعای خیر وتوفیق درحق یغما ویغمائیان مغتنم میشمارد وامیدوارست این اساس خیرپایدار وبرقرار بماند.

سیدمحمدمحیط طباطبائی

بزرگداشت استاد حبیب یغمائی دربیست و پنجمین سال انتشار مجلهٔ گرانقدر یغما، ادای دینی است نسبت

به‌وی. زیرا نه‌تنها کسانی که درعرض این مدت ازمطالعهٔ مجلهٔ یغما بهره‌هابرده‌اند ودرسراسرجهان فراوانند بلکه برخی‌ازنویسندگان وشاعران نامور وفضلای کشورنخست از افق مجلهٔ یغما تابیده ودرخشیداند ودرحقیقت قسمتی ازنام وشهرت خویش را مدیون یغمائی ویغما هستند.

آنچه عرض‌کردم مبالغه وفقط ازسر ارادت نیست. بیاد دارم درسال ۱۳۴۳ وقتی در کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا استاد یغمائی‌را به‌آقای مردیث‌اونس[1]،کتابداربخش‌شرقی کتابخانه معرفی‌کردم، نخستین نکته‌ای که وی‌طرح‌کرد درخواست ارسال شماره‌هائی ازمجلهٔ یغما بود که‌کتابخانه کسر داشت. آقای مردیث اونس تأکید میکرد که چون این‌مجله مورد مطالعه واستفادهٔ فراوان مراجعان وعلاقه‌مندان به فرهنگ ایران قرار میگیرد، بهرنحو ممکن است باید دورهٔ آن‌را تکمیل‌کرد.

شادروان‌استادفروزانفردرجشن‌ده‌دورهٔ نخستین‌مجلهٔ یغما، نشرصدها مقالهٔ ارجمندرا برای این‌نشریه توفیقی

1- Meredith_Owens

بررگ شمرده بود.[1] اینک بایدآن رقمرا بددو برابرونیم افزایش‌داد.دراین‌مدت اکثر نویسندگان یغمااز دانشمندان بوده‌اند. این‌خود فضیلتی است که مجلهٔ یغما عرصهٔ بروز وظهورآثار قلمی‌گروهی ازبزرگان ادب فارسی شده است. همین پایگاه والا موجب‌آمده فضلای دیگر کشورها نیز نشر ثمرات فکر وذوق خویش را دریغما مغتنم شمرند و دور و نزدیک به‌همکاری قلمی بپردازند.

تشویقهای بی‌کران مدیر ارجمند یغما که گاه به ستایش اهل ذوق و استعداد و دانشمندان می‌کشد، نیز در گرایش صاحب قلمان به سوی مجلهٔ یغما بی تأثیر نبوده است .

حبیب یغمائی خود نویسنده‌ای است چیره دست و شاعری هنرمند. کاش بیشتر می‌نوشت و می‌سرود. مقام و شخصیت‌ادبی وی، لطف محضر، فروتنی ، حق پذیری او، احترام و اعتقاد صمیمانه‌ای که نسبت به اهل فضل و هنر دارد سبب شده است که مجلهٔ یغما ، علاوه بر نشر ادب و فرهنگ فضائی پر از گرمی وصفا و «بزمگهی از خلق و

۲ـ یغما ۱۱/۳۷

ادب» پدید آورد .

مجلهٔ یغما درعین‌حال که روش ادبی متین و استوار خویش‌را درطی‌روزگاری‌دراز حفظ کرده، تاحدودی‌جلوه‌گاه اندیشه‌ها وذوقهای گوناگون نیز بوده است. بعبارت‌دیگر دل بستگی به سرمایه‌های گرانبهای ادب وفرهنگ‌ایران صفحات مجلهٔ یغما را ازدرخشش افکار نو وبدیع بی‌نصیب نکرده است.

امروز دانش و فرهنگ بیشتر از راه مجلات و نشریه‌ها تر و تازه نگاه‌داشته می‌شود . یعنی بدایع فکر اندیشه‌وران ولطایف قریحهٔ هنرمندان بیشتر از این راه عرضه میشود، تابصورت‌کتابهای مستقل . ازاین‌رو حقی را که این‌گونه مطبوعات درگسترش و رشد شاخه‌های مختلف معرفت بشری دارند نباید ازنظر دورداشت.

بی‌هیچ مجامله، مجلهٔ یغمارا یکی ازارکان نشرادبیات فارسی و فرهنگ ایران می‌توان شمرد و خدماتش را در این زمینه باید ستود.

برروی هم دورهٔ بیست وپنج سالهٔ یغما کتابخانه‌ای

است کوچك، ولی پرمطلب و بسیار سودمند که به بهائی اندك دردسترس علاقه‌مندان قرارگرفته است . اما باخون دل‌خوردن وتلاش‌فراوان استاد حبیب‌یغمائی وعمرسوختن صاحب قلمانی‌که ثمرهٔ سالها مطالعه و اندیشیدن و تجربهٔ خویش یعنی درحقیقت عصارهٔ روح وفکرشان را بااخلاص وصفا ازاین راه برایگان دراختیارهمگان نهاده‌اند .

دشواری کاری چنین خطیر یعنی نشرمجله‌ای متین درمدت ربع‌قرن برکسی‌که اهل درد باشد پوشیده نیست . خاصه بادرنظر گرفتن مشکلات و مضایق آن . این گونه خدمتها ، هدف واعتقاد راسخ می‌طلبد وهمت بلند و عشق و فداکاری .

بی‌گمان مجلهٔ یغما نیز ، مانند دیگر مجله‌ها ، در این مدت فراز ونشیبهائی داشته که ممکن است‌گاه مورد انتقاد خوانندگان یاعلاقه‌مندان‌شده‌باشد. شاید دربسیاری ازآن موارد مدیرسخن‌شناس مجله نیز نکات مورد نظر را درك می‌کرده و آرزو داشته نتیجهٔ کاربهتر ازآب درآید. اما گاه نتوانسته‌است بمقصود خویش نایل شود. باید وارد

گودشد وباکمبودهاوتوقعاتوکجدارومریزها روبروگشت، آنگاه دید برطبق اصول کارکردن چه دشوارست و ایراد گرفته البته ازان آسان‌تر.

استاد یغمائی اگردرسالخوردگی‌ازکار مجله‌می‌نالند حق‌دارند. اما بعرضشان برسانم همین اعتقاد واحترام‌اهل ادب به‌مجلهٔ یغما نمودارآن‌است‌که خدمتشان‌مشکورست وبه اجری معنوی رسیده‌اندکه شریف‌ترین پاداشهاست.

بی‌شك تاوقتی زبان فارسی زنده است و دوستداران و پژوهندگان ادبیات فارسی و معارف ایرانی بمندرجات یغما رجوع میکنند نام حبیب‌یغمائی زنده وپایدارخواهد بود .

امیدآن‌که عمرپربرکت استاد یغمائی هرچه‌افزونتر وپیشرفت ورونق مجلهٔ یغما هرچه بیشترباشد.

غلامحسین یوسفی

اشعار

ـ۱ـ

آسمان‌گر نقد عمرما به‌یغما برده است
درعوض ما خوانی از نعما به‌یغما برده‌ایم
هرکه چیزی باخت دریغما به‌یغمائی‌ولیك
ما به یغما دفتر دانش ز یغما برده‌ایم
بردهٔ ما نقد عرفان است و کالای کمال
کزچنان یغما چنین گنجی زنعما برده‌ایم
دفتر یغما بیان شهر غمنامه است ونیست
جزکه شادی نامه این‌دفترکه‌آنرابرده‌ایم
گنج‌نامهٔ حکمت‌است این‌نامه کزهرسطروی
ره به‌گنجی فارغ از رنج مقاسا برده‌ایم
واین عجب‌ترکانهمه اکسیر دانش را به‌نقد
از میان نسختی با صد تجلی برده‌ایم

نی‌که ما هرپنج گنج محتجب‌را بی‌حجاب
دربیان رمزحق زان لوح اسما برده‌ایم
نامهٔ یغما است یغما نامهٔ خوان کمال
کز نفاذش سهمی از نعما و آلا برده‌ایم
ربع قرن افزون برآمدکزعطایش‌بیدریغ
بیستگانی خورده‌ایم اینجا وتمغا برده‌ایم
ربع قرنی کز فنون دانش ازبیش وکمش
خیر دنیا دیده‌ایم و زاد عقبی برده‌ایم
هرکجا لفظی به‌علمی راه برد، از کاملی
هم به تعلیم وی آگاهی به‌معنی برده‌ایم
هیچ کس از هیچ دانا درنیوشیدن نبرد
آنچه ما زاین لوح دانش درتماشابرده‌ایم
وآنچه ما از سرگویائی به تعلیم سکوت
برده‌ایم، ازفیض این‌خاموش گویابرده‌ایم
گاه درس غیرتی از حال آبا خوانده‌ایم
گاه لوح عبرتی ازبهر ابنا برده‌ایم
گاه درمرآة پندش سوی ماضی دیده‌ایم
گاه با مرقاة علمش ره به فردا برده‌ایم

دیده‌ایم از هر مقالی فیض تا دیده‌ایم
برده‌ایم ازهر کمالی سود او تا برده‌ایم
سودآن شبها کزآنها ره بفکرت خسته‌ایم
فیض آن دمها کزآنها جان زغمها برده‌ایم
نطره‌ای افکنده‌ایم ازشوق واستاخوانده‌ایم
قطره‌ای آورده‌ایم از شور و دریا برده‌ایم
زاین خزائن برده‌ایم آنها که گوئی فی‌المثل
گل‌ز گلشن، باده ازدن، در زدریا برده‌ایم

☆☆☆

یارب این پیرسخن‌را پای جهد ازجا مبر
کزجهاد وجهد وی نفعی ز هرجا برده‌ایم
هرکجااهلی‌است‌چون‌ما بهره‌مندازسعی‌اوست
تا نه‌پنداری که ما این بهره تنها برده‌ایم
اوستاد نظم و ، نظم عقد اهل دل حبیب
کز ضیاء حب وی ره زی احبا برده‌ایم
دستها زی آسمانها در دعای خیر او
هم به ذکر بارالها بارالها برده‌ایم

کریم امیری فیروزکوهی

-۲-

ایزدان خو حبیب بغمائی
آن ملک خصلت فرشته نژاد
آنکه در شارسان علم و ادب
کاخها شد ز سعی او آباد
علمش آهسته سوی خویش کشاند
تاش جا در صف نخستین داد
مادرش داد شیر پاک و ببین
که از آن شیر پاک خورده چه زاد
کودکی خوش سرشت و دانش دوست
نوجوانی صمیم و مردی راد
دعویش گرچه نیست فضلش هست
کافکند کاخ علم را بنیاد
بس بکوشید و بس ریاضت برد
تا که شد در سخنوری زاوتاد
اوست استاد و من کمین شاگرد
من مریدم بدوی و اوست مراد

وا دریغا که باشد این شاگرد
دست پرورد فضل آن استاد
فیض آن محفل خجسته که یافت؟
کش هزاران درود نفرستاد
کیست‌کو دل نداد و سر نسپرد؟
پیش آن نیک مرد پاک نهاد
مگر آن‌کو در اندرون دارد
دلی از سنگ و جانی ازپولاد
جز به یغما و جز به یغمائی
دیده ناخرم است و دل ناشاد
خوان یغماست گنج باد آورد
مدهادش بد زمانه به باد
آن همایون صحیفه را که گشود
که ز جان لب به‌آفرین نگشاد
سایهٔ نازنین یغما را
که سراسر هدایت است و رشاد
از سر کاروان علم و هنر
تا قیامت خدا جدا مکناد

سال عمرش به‌بیست وپنج رسید
دور قرنش به بیست و پنج رساد

***

ربع قرنی ز روزگار حبیب
در ره این صحیفه رفت چو باد
تا که یغمای او ز همت او
شود آسان که خواهدآن استاد
به‌مراد جهان حبیب عزیز
دیر ماناد ماندنی به مراد
نیم قرن دگر به‌لطف خدای
بزیاد آن فرشته خو بزیاد

حسین پژمان بختیاری

www.KetabFarsi.com

این جزو همزمان با انعقاد سومین کنگرهٔ تحقیقات ایرانی
باهتمام گروه دوستداران مجلهٔ یغما و با مساعدت چاپخانهٔ بهمن
در چاپخانهٔ مذکور به چاپ رسید .

تهران ـ شهریور ۱۳۵۱

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

چاپ بهمن